



## کهن ترین شرح حالهای ملا محمد مهدی نراقی

پدیدآورده (ها) : فاطمی، سید حسن  
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: کتاب ماه دین :: اسفند 1380 و فروردین 1381 - شماره 53 و 54  
از 26 تا 30  
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/33715>

دانلود شده توسط : سید حسن فاطمی  
تاریخ دانلود : 23/01/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)



به مناسبت برگزاری کنگره  
فاضلین نراقی

# کهن ترین شرح حالهای ملا محمد مهدی نراقی

○ سید حسن فاطمی

معمولاً شرح حال‌هایی که در چند دهه اخیر برای علامه جامع ملامحمد مهدی نراقی (م ۱۲۰۹ ق) نوشته شده امیخته با اشتباه است. به نظر می‌رسد که علت اصلی آن، عدم توجه به شرح حال‌های نخستین در مورد این عالم جلیل‌القدر است. هر چه شرح حال به عصر صاحب آن نزدیک‌تر باشد از اعتبار بالاتری برخوردار است؛ چرا که فاصله زمانی سبب می‌شود به مرور لغزش‌ها در نقل‌ها پدید آید و هر چه بر تعداد نقل‌های واسطه افزوده شود بر تعداد اشتباهات نیز افزوده می‌گردد. از این رو بر آن شدیم متن نخستین شرح حال‌های علامه نراقی را بیاوریم و به استناد آنها، پاره‌ای از لغزش‌ها را که در سال‌های اخیر در مورد او راه پیدا کرده، در باورقی یادآور شویم.

## ۱. گلشن مراد

نخستین شرح حالی که از ملامحمد مهدی نراقی سراغ داریم، شرح حالی است که ابوالحسن غفاری کاشانی در زمان حیات نراقی نوشته است. اگر چه وی - طبق تحقیق مصحح کتاب - تدوین گلشن مراد را در سال ۱۲۱۰ ق به پایان رساند اما چنان که نویسنده در پایان زندگی‌نامه تصریح می‌کند این بخش از کتاب را در سال ۱۲۰۶ نوشته است: فرید عصر و یگانه‌ی دهر مولانا محمد مهدی ابن ابی‌ذر النراقی حکیمی که رای قوی‌مش شریعت را به مثابه هیولی است علیم که نظر صایب او در جمیع احوال بر علت اولی است. فقیهی که...  
فُتُوهُ الحکماء و افضل العلماء، سلطان المحققین و برهان المدققین، ینبوع العلم و مفتن الرسوم، مدالله طلال افاداته علی رؤوس العباد، متع الله المستفیدین بطول بقائه، بمحمد و اله.

## اجازه‌ی حدیث در نشر احکام شریعت حاصل نمودند.

بعد از آن باز به کاشان معاودت فرموده، متوجه تدریس و نشر علوم و تصنیف می‌باشند. چند سفر دیگر از برای آن جناب اتفاق افتاد. از مشرف شدن به مکه‌ی معظمه - زادالله شرقاً و تعظیماً - و زیارت عتبات عالیات عرش درجات و زیارت روضه‌ی مقدسه‌ی امام‌الجن و الانس علی ابن موسی‌الرضا - علیه التحية و الثناء.  
تا حال تحریر که سنی مبارکه به هزار و دویست و شش رسیده، در قید حیات و به ارشاد خلائق مشغول می‌باشند - متع‌الله المسلمین بطول بقائه بمحمد و اله الاخیار.

## ۲. یادداشت ملا احمد نراقی

فرزند عالم او ملا احمد نراقی که گفته‌اش بر سخن همگان ترجیح دارد در پایان نسخه خطی لؤلؤة البحرین به خط خویش در سال ۱۲۲۸ ق شرح حال کوتاهی از پدر بزرگوار نوشته و در ادامه آن، فهرستی از تألیفات خود را نیز تا سال نوشتن این یادداشت آورده است.  
تاریخ وفاة الوالد المجاهد المحقق الزاهد مولانا محمد مهدی بن ابی‌ذر النراقی، فی‌اول لیلة السبت ثامن شهر شعبان المعظم من شهر سنة الف و مائتین و تسع. و دفن - قدس سره - فی التجف الاشرف فی الایوان الصغیر الذی یلی الخلف، وله شباک الی الرواق. وکان عمره الشریف ینبلغ ستین سنة تقریباً.

تولد - طاب ثراه - فی النراق و توفی فی الکاشان. و کان عمدة تحصیله فی اصبهان عند مشایخه الکرام: ملا اسماعیل الخاجوئی [م]

اصل آن جناب از قصبه‌ی نراق است که در سالف زمان از توابع دارالمؤمنین قم بوده و حال از توابع کاشان است. در اوایل حال از نراق به کاشان آمده به تحصیل مقدمات مشغول، بعد از آن که از تحصیل فنون ادبیه فراغت یالی او را حاصل شد روانه‌ی اصفهان شدند. در اصفهان آن جناب را ترقی معقولی در جمیع علوم حاصل شده، به کاشان معاودت و مدتی در کاشان به افاده مشغول و مدتی به اقامت [نماز] جمعه و جماعت قیام و به ارشاد خلائق از خاص و عام مساعی تمام نمودند.

بعد از مدتی به شوق زیارت عتبات عالیات و عتبه بوسی روضات عرض درجات روانه‌ی عراق عرب [گشته] و در آن‌جا نیز مدتی معتدبه توقف نموده، از فضایی آن حدود استفاده‌ی حدیث می‌فرمودند. از هر یک



والخامس من مشايخ والذى القمقام رحمة الله عليه: مولانا محمد اسماعيل بن محمد حسين المازندراني اصلاً الاصبهاني الخاجوتي مسكناً اسكنه الله في فراديس الجنان، عن شيخه الاجل الشيخ حسين الماحوزي بطرقه المتقدمة.

والسادس من مشايخ والذى التحرير: محمد مهدي الهرندي الاصبهاني قدس الله نفسه، عن شيخه الجليل الشيخ حسين الماحوزي. والسابع من مشايخ والذى العلامة: الشيخ التحرير... الحاج شيخ محمد بن الحاج محمد زمان الكاشاني، النوش آبادي اصلاً و مولداً و الاصبهاني رياسة و مسكناً و التجفي التجاء و مدفناً، افاض الله عليه شأبيب الرحمة...

كتبه بيمنه الدائرة، اوتى كتابه بها في الاخرة، احمدبن محمد مهدي بن ابي ذر ابن الحاج محمد القمي النراقي الكاشاني مسكناً في اواخر شهر ذي الحجة الحرام سنة ۱۲۴۴ (الف و مائتين و اربع و اربعين) من الهجرة النبوية على هاجرها الف صلاة و تحية حامداً و مصلياً

۴. اجازة ملا احمد نراقي به شيخ انصاري

ملا احمد نراقي در اجازة روايى به شاگرد خود، شيخ انصاري به

۱۲۰۸ هـ؛ والحاج شيخ محمد [بن محمد زمان الكاشاني م ۱۱۶۶ هـ]؛ و مولانا مهدي الهرندي [م ۱۱۸۶ هـ]؛ و ميرزا نصير [م ۱۱۹۱ هـ]. و قرا شطراً من الحديث عند الشيخ الاجل الشيخ يوسف مصنف هذا الكتاب [لؤلؤة البحرين]، و هو من مشايخه قراءة و اجازة و كنا أبا باقر البهبهاني. حرره العبد الا حقير احمدبن محمد مهدي بن ابي ذر.

۳. اجازة ملا احمد نراقي به برادرش ملا محمد مهدي

ملا احمد نراقي در سال ۱۲۴۴ ق اجازة روايى مفصلى براى برادرش نوشته است و در ضمن آن به شرح حال پدر اشاره کرده است. در اينجا به ذکر قسمت‌هاى مربوط به والد بزرگوار بسنده مى‌کنيم: ... و طرّفنا الى كتب الاخيار و غيرها من مصنفات علمائنا الابرار و سائر علماء الاسلام متكثرة، و بكثرة الوسائط صارت واسعة منتشرة لا يكاد يضبط، و كماهى عليه يشرح و يبسط خصوصاً مع ضيق المجال و بلبال اليال و تواتر الاشغال.

فمنها: ما اخبرني به قراءة و سماعاً و اجازة شيخنا الاعظم والذى و استادى و من اليه فى جميع العلوم استنادى، مولانا محمد مهدي بن ابي ذر بن الحاج محمد النراقي مولداً و منشأً و الكاشاني رياسة و مسكناً و التجفي التجاء و مدفناً، صاحب المؤلفات الوافرة و المصنفات الكثيرة الفاخرة، المتجاوزة عندها عن الثلاثين، افاض الله عليه روائش الكرم و الجود و اعلى مقامه فى دار الخلود.

و قد ارتحل - طاب ثراه - الى جوارالله سبحانه فى اول ليلة السبت ثامن شهر شعبان المعظم من شهور الف و مائتين و تسع من الهجرة النبوية. و حمل نفسه الشريف الى التجف الاشراف، و دفن فى الابوان الصغير الذى يلى الخلفه، وله شبك الى الرواق المقدس، و على المدفن حجر مكتوب فيه اسمه الشريف.

ثم الوالد الاستاد يروى عن مشايخه الكرام السبعة، الذين هم فى عصر هم فى البلاد بمنزلة الكواكب السبعة فى السبح السداد.

اولهم: الشيخ المحدث الشيخ يوسف بن احمدبن ابراهيم البحراني الماحوزي، صاحب كتاب «الحقائق الناضرة» و غيره من المؤلفات الكثيرة الفاخرة...

والثانى من مشايخ والذى العلم العلامة قدس سره: الشيخ المجتهد المحقق آقا محمد باقر البهبهاني مسكناً و الاصبهاني مولداً و الحائري خاتمة و مدفناً...

والتالث من مشايخ والذى طاب ثراه: الشيخ محمد مهدي بن الشيخ بهاءالدين الفتونى العاملى التجفى قدس سره...

والرابع من مشايخ والذى التحرير قدس سره: المولى الفقيهالدين التقى مولانا محمد جعفر البيد گلى الكاشاني، عن شيخه الاجل المولى ابي الحسن، المتقدم بعض طرقه.

الجامع المدقق علامة الزمان الحاج شيخ محمد بن الحاج محمد زمان الكاشاني النوشابادي الاصفهاني - افاض الله عليهم شايب الرحمة و الغفران و اسكنهم فراديس الجنان...<sup>۵</sup>

۵. اجازه ملا محمد نراقی به یکی از علما

صاحب روضات الجنات در شرح حال ملا محمد مهدی، بخشی از اجازه ملا احمد را که مربوط به پدر بزرگوارش می شود آورده است و تصریح می کند که متن این اجازه به خط ملا احمد نزد او است. هر چند که عبارات این اجازه با متن اجازه ملا احمد به برادرش شباهت دارد اما به جهت وجود پاره ای تفاوت ها، آن را نیز می آوریم. ملا احمد هنگام برشمردن طرق خویش به کتاب های روایی می نویسد:

... فمنها ما اخبرني به قراءة و سماعاً و اجازة والدي و استادی مولانا محمد مهدی بن ابی ذر النراقی مولداً، و الكاشانی مسكناً، و النجفی التجاه و مدفناً، قدس الله سبحانه فسيح تربته، و اسكنه بجبوحه جنته عن مشايخه الفضلاء النبلاء العظام.

اولهم: العالم مولانا محمد باقر الاصفهاني البهبهاني الي ان قال: و ثانيهم: الشيخ يوسف بن احمد بن ابراهيم البحراني عن مشايخه العظام.

و ثالثهم: التحرير المحقق... الحاج «شيخ محمد بن الحاج محمد زمان الكاشاني اصلاً و مولداً و الاصفهاني رئاسة و مسكناً، و النجفی خاتمه و مدفناً...»

و رابعهم: الشيخ محمد مهدی بن الشيخ بهاء الدين الفتونی العاملی النجفی، عن مشايخه الاجلاء روح الله ارواحهم.

و خامسهم: العالم مولانا محمد اسماعيل بن محمد حسين المازندرانی الاصفهاني، عن الشيخ الفاضل الشيخ حسين الماحوزی المتقدم عن مشايخه الفضلاء طيب الله رسمهم.

و سادسهم: الفاضل الاوحد، و العالم المؤيد، جامع المعقول و المنقول، حاوی القروع و الاصول، مولانا محمد مهدی «الهرندی» الاصفهاني<sup>۶</sup>

۶. رياض الجنة

سيد حسن زنوزی از علمای برجسته عصر خود و از معاصران علامه نراقی و شاگرد وحید بهبهانی است. زنوزی شخصاً در مسافرت های متعدد نراقی به عتبات و نیز در کاشان، محضر و محفل او را درک کرده است. زنوزی در بخشی که مربوط به شرح حال نراقی می شود می نویسد:

محمد مهدی بن ابی ذر نراقی الكاشانی النراقی كان عالماً كاملاً فاضلاً صالحاً جليلاً محققاً مدققاً عدلاً، متضلماً تحريراً متبحراً، فقيهاً، حكيماً متكلماً مهندساً، معاصراً ماهراً في اكثر الفنون و الكتب الاسلامية ام غيرها، من الملل والاديان، و كان جليل اللقدر، عظيم الشأن، كريم

دَوْلَةُ الْمَلُوكِ فِي الْبَدَلِ دَارٌ مِنْ جَعَالٍ يُخْتَلَا دَوْمٌ عَلَى كَفْرِ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ عَزَّ وَجَلَّ  
 الدَّال دَوْمٌ النَّوِيحُ مِنَ الْإِسْتِغَالِ ذُرٌّ الْمَلَاغِي سَفْعَتَا بَارِدٍ ذَبْتِ الْبَيْدُ كَبِيرٌ وَالْفَلَاغَةُ  
 هَبْلٌ دَوْلَةُ السَّلَاطِينِ مَجْرَمَةٌ الْقَبْتَيْنِ ذِكْرُ الْأَذْيَابِ نَزَلُ الرَّجْمَةِ ذُلُّ الْمَرْءِ  
 فِي الطَّمَعِ ذَيْلُ التَّوْبِخِ رَيْحُ دَلْفَةٍ ذَلَامَةُ الْإِنْسَانِ رَأْسُ الْمَالِ ذِكْرُ الْمَوْتِ  
 عِلَاقَةُ الْفُلُوبِ ذِكْرُ الْقَبْرِ حَمْرَةُ الرَّأْيِ دَوْبَةُ الْبَيْبِ كَلَامُ الْعَيْنِ ذَوَاعِنُ الْبُهْلِكِ  
 ابْتِكَ رَفَاعَةُ الْعَبْرَةِ فِي الْأَمْرِ ذَوْبَةُ الْعِلْمِ أَعْلَى الرَّيْبِ ذَوْبُكَ يَطْلُبُكَ فَايْتِجِ  
 رَسُوْلَ الْوَيْلِ الْوَالِدُ ذَوْبَةُ الْبَيْبِ ذِيَابَةُ الْإِسْوَاقِ رَسُوْلُ اللَّهِ صَلَّى عَلَيْهِ وَآلِهِ  
 رَعُوْنَاكَ الْقَبْرُ نَسَبِيًّا ذَوَاعِنُ الْمَوْتِ عِلَابَةُ النَّفْسِ ذَوْبُكَ لَمْ يَدْرِ ذَيْلُ الْعَبْلِ الرَّأْيِ  
 زَيْنُ الرَّجَالِ مَوَازِينُهُ نَعْمَةُ السَّالِحِينَ رَحْمَةُ اللَّهِ الْغَائِلُ كَثِيرَةٌ ذَوَالُ الْعِلْمِ  
 أَمُونٌ مِنْ مَوْتِ الْعَالِمِ ذُرٌّ مَرٌّ عَلَى غَدْرٍ وَكَانَ مِنْهُ ذِكْرُ نَعْمَةِ الْعَالَمِيِّ مُسَلَّمَةٌ ذُرٌّ بَارِدٌ  
 الْجَيْبُ لَمْرَأَةٍ الْجَيْبُ ذَوَايَا اللَّهِ تَأْسِجُومَةٌ بِالرَّذَايَا ذُرٌّ بَارِدٌ لِقَعْفَاءٍ مِنْ الْأَنْبِيَاءِ  
 ذَبْتَةُ الْبَابِ طَبْلٌ خَيْرٌ مِنْ ذَبْتَةِ الظَّاهِرِ السَّبْرُ سَوَاءٌ الظَّنُّ مِنْ الظَّنِّ سَوَاءٌ سَرُّ رُؤْيَاكَ بِالذُّبَابِ  
 غُرُورٌ سَوَاءٌ الْغُلُوبُ وَجَسَتْ لِعَاصِمٍ فِيهَا سَهْبٌ الْمَرْءُ يَجُوعُ عَنْ مَرْءٍ بِرَّيْزٍ سَلَامَةٌ  
 الْإِنْسَانُ فِي حَيْطِ الرِّسَالِ سَادَةُ الْأَمَّةِ الْفُطَاةُ سَكْرَةُ الْأَجْيَادِ سَوَاءٌ الْغُلُوبُ  
 يَلْبِغُ السَّمْعَاءُ الشَّكَاةُ سَمَوُ الْمَرْءِ فِي التَّوَاضِعِ الشَّهْنُ شَيْنُ الْعِلْمِ السَّلْفُ  
 شَرُّ الْأُمُورِ بِمَدْفَأٍ مِنَ الشَّيْءِ شَيْءٌ فِي طَلَبِ الْجَنَّةِ شَيْءٌ لَيْسَ مِنْهُ مَوْتٌ شَيْءٌ مِنْ الْمَوْتِ  
 خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ الْعَمَلُ شَيْبُكَ تَأْمِينُكَ شِفَاءُ الْبَلْبَانِ فِرَاقُ الْقُرْآنِ يَجْحَجُ

مناسبت، از پدر و مشایخ اجازه پدر نام برده است. بخشی از اجازه که به ملا محمد مهدی مربوط می شود چنین است:

فمنها ما اخبرني به قراءة و سماعاً و اجازة الشيخ الأعظم... والدي و استادی مولانا محمد مهدی بن ابی ذر النراقی مولداً الكاشانی ریاسة و مسكناً و النجفی التجاه و مدفناً صاحب المؤلفات الوافرة و المصنفات الفاخرة عن مشايخه الكرام و استايده العظام السبعة الذين هم في البلاد بمنزلة الكواكب السبعة في السبع الشداد و هم: الشيخ أقامحمد باقر البهبهاني و الشيخ الفقيه الكامل مولانا محمد جعفر الكاشاني البيدكلى و العالم الفاضل الرباني مولانا محمد اسمعيل المازندرانی الاصفهاني و التحرير المؤيد الالهمی مولانا محمد مهدی الهرندی الاصفهاني و الفقيه

الاخلاق، حسن‌الاداب، کثیر التالیف، جید التحریر و التعبیر، له مؤلفات کثیرة لطیفة.

توفی فی اوائل ساعات لیلة السبت، ثامن عشر شعبان من سنة تسع و مائین و الف (۱۲۰۹) و نقل الی المشهد النجفی و دفن بها عند الرواق و عاش - رحمة الله - ثلث و ستین سنة تقریباً، و کان فی اواسط عمره راغباً الی نشر العلوم و بالتدریس و التالیف، و فی اواخره کان مشغولاً بالعبادة، وله اشعار بالعربیة و الفارسیة یقرب ثلاثین الف بیت.<sup>۶</sup>

#### ۷- الروضة البهیة

سید محمد شفیع بن علی اکبر حسینی چابلقی (م ۱۲۸۰ ق) پس از معرفی استاد خود ملااحمد نراقی در اوایل کتاب می نویسد:  
و کان والد من اجله العلماء جامعاً للمعقول و المنقول قرأ علی العالم الکامل علامه زمانه ملا اسماعیل الخاجوی فی ثلاثین سنة علی ماسمعت و علی سائر العلماء فی المعقول و المنقول.<sup>۷</sup>

#### ۸- تاریخ کاشان

عبدالرحیم کلانتر ضرابی (سهیل کاشانی)، شرح حال ملامحمد مهدی نراقی را در قرن سیزدهم نوشته و در ادامه، از فرزندان و نوادگان او نام برده است:

ملا مهدی نراقی و یکی دیگر از علمای کامل فاضل جلیل‌القدر که مجمع علوم ربانی و منبع فیوضات یزدانی و سرآمد علمای عصر خود بوده بندگان جنت مکان جناب ملامهدی نراقی عطرالله مرقده می‌باشد که مسقط الراس شریفش قصبه نراق [است] و تقریباً یکصد سال قبل در کاشان رحل اقامت افکنده، عمده استفاضه و تحصیل و تکمیلش در اصفهان [بود] و در هر علمی از منقولات و معقولات تصنیفات فرموده... و عمر شریفش شصت سال، در سنه ۱۲۰۹ هجری بعالم بقا رحلت فرمود و در نجف اشرف در ایوان صغیر مدفون است... اصل شجره طیبه سلسله علیه نراقیه جناب ملامهدی سابق الانقلاب - اعلی الله مقامه - بود و او را پنج غصن است. جناب حاجی ملاحمد و ملا اباذر و میرزا ابوالقاسم و ملا ابوالحسن و حاجی ملا مهدی ملقب به آقا بزرگ.<sup>۸</sup>

#### پانویس‌ها:

۱- گلشن مراد ابوالحسن غفاری کاشانی، به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، انتشارات زرین، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش، ص ۳۹۲ - ۳۹۴.  
الف) ابوالحسن غفاری تصریح می‌کند که نراقی پیش از اصفهان در کاشان تحصیل کرده است، بنابراین، نقل شهید محمدعلی قاضی طباطبایی در مقدمه انیس‌الموحدین، چاپ ۱۳۵۱ ش و شیخ محمدرضا مظفر در مقدمه جامع‌السعادات و اثر آفرینان، ج ۶ ص ۳۳ که نراقی

تحصیلات را از اصفهان آغاز کرد، اشتباه است. همچنین در این منابع آمده است که نراقی جهت ادامه تحصیل، از اصفهان راهی عراق شد. اما به استناد نقل گلشن مراد، این مطلب نیز اشتباه است؛ بلکه وی از اصفهان به کاشان و از کاشان به عراق رفت.

ب) مرحوم محمدرضا مظفر در مقدمه جامع‌السعادات، وفات نراقی را یک سال پس از درگذشت استادش وحید بهبهانی نوشته است. بنابراین وی سال درگذشت وحید بهبهانی را ۱۲۰۸ دانسته است. اما ابوالحسن غفاری شرح حال نراقی را در سال ۱۲۰۶ نوشته و از وحید بهبهانی به گونه‌ای یاد می‌کند که نشان می‌دهد در آن سال حیات نداشته است. درست این است که وی - برخلاف برخی نقل‌ها - در سال ۱۲۰۵ وفات یافت؛ زیرا سید حسن زنوزی - شاگرد وحید بهبهانی - در ریاض‌الجنه و نیز نوه وحید بهبهانی، آقا احمد در مرآت‌الاحوال از قول پدرش آقامحمد علی، سال ۱۲۰۵ را ضبط کرده‌اند. (ر. ک: وحید بهبهانی، علی دوانی، انتشارات امیرکبیر، ص ۲۵۴)

۲- مقدمه عوئذالایام، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش، ص ۶۶ - ۶۷.

الف) مرحوم مظفر در مقدمه جامع‌السعادات با توجه به قرائتی حدس زده است که نراقی در سال ۱۱۲۸ یا پیش از آن ولادت یافته است. پس از آن، شرح حال نگاران این تاریخ را به صورت تقریبی و گاه به صورت قطعی به عنوان سال تولد نراقی ذکر کرده و می‌کنند. طبق این تاریخ، نراقی حدود ۸۱ سال عمر کرده است، اما فرزند او ملاحمد نراقی در یادداشت مذکور، عمر پدر را حدود شصت سال نوشته است. در ادامه، از ریاض‌الجنه نقل خواهیم کرد که سیدحسن زنوزی (معاصر ملامهدی نراقی) عمر او را حدود ۶۳ سال ضبط کرده است و چون زنوزی مدت حیات نراقی را دقیق‌تر ذکر کرده، تاریخ او را ترجیح می‌دهیم. بنابراین نراقی در حدود ۱۱۴۶ به دنیا آمده است.

ب) با این که ملاحمد تصریح می‌کند پدرش در کاشان از دنیا رفته است اما می‌بینیم برخی شرح حال نگاران محل فوت او را نجف نوشته‌اند. (ر. ک: مقدمه انیس‌الموحدین؛ مقدمه جامع‌السعادات؛ ریحانة الادب، ج ۶ ص ۱۶۴ و اثر آفرینان، ج ۶ ص ۳۳)؛ زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۱۹۹)

ج) در گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۹۳ در شرح حال ملامحمد مهدی نراقی می‌خوانیم:

این عالم خدمتگزار پس از سال‌ها فداکاری و خدمت، روز شنبه ۱۸ شعبان ۱۲۰۹ در هشتاد و یک سالگی در شهر کاشان به دیار ابدی می‌شاید. به استناد گفته ملاحمد، اولاً نراقی شب فوت کرد نه روز؛ ثانیاً هشتم شعبان نه هیجدهم؛ ثالثاً در حدود ۶۳ سالگی نه ۸۱ سالگی. ظاهراً منشأ هیجدهم خواندن وفات این است که در مورد فوت نراقی

این عبارت از ریاض‌الجنه نقل شده که در ادامه، آن را می‌آوریم:  
توفی فی اوائل ساعات لیلة السبت، ثامن عشر شعبان من سنة تسع  
و مائین و الف.

با توجه به یادداشت ملاحمد در لؤلؤة البحرین و نیز اجازه او به  
برادرش، در عبارت فوق، کلمه «شهر» به «عشر» تصحیف شده است.  
۳- مقدمه عوائل‌الایام، ص ۷۰- ۸۴.

الف) نویسنده مقاله‌ای در ویژه‌نامه کنگره فاضلین نراقی، ش ۱، ص  
۴۶ به استناد یادداشت ملاحمد نراقی در لؤلؤة البحرین تعداد آثار  
ملا مهدی نراقی را سی کتاب دانسته است. لذا نویسنده مقاله، ثبت  
نزدیک به چهل اثر برای نراقی در شرح حال‌ها را بعید شمرده است. اما  
عبارت ملاحمد به این مطلب صراحت ندارد. بلکه در اجازه به برادرش  
تصریح می‌کند که آثار پدر بیش از سی عنوان است.

ب) ملاحمد در این اجازه می‌نویسد: «قدارتحل - طالب ثراه - آلی  
جوارالله سبحانه... و حمل نفسه الشریف آلی النجف الاشرف.» از این  
عبارت نیز به دست می‌آید که محل درگذشت نراقی، نجف نبوده است.

ج) از آنجا که آخرین فرزند ملامحمد مهدی نراقی پس از درگذشت  
پدر به دنیا آمد او را نیز «محمد مهدی» نامیدند. تشابه اسمی سبب شده  
که برخی این دو را با یکدیگر اشتباه کنند. صاحب مجموعه مقالات، چاپ  
دفتر تبلیغات اسلامی، در صفحه ۱۹۰ - ۱۹۱ وحید بهبهانی را از مشایخ  
اجازه نراقی دوم خوانده است در حالی که نراقی دوم پنج سال پس از  
درگذشت وحید بهبهانی به دنیا آمد. در این اجازه‌نامه گذشت که وحید  
بهبهانی استاد و شیخ اجازه نراقی اول بوده است.

د) ملاحمد نراقی پیش از ذکر اسامی مشایخ پدر، عبارتی را ذکر  
می‌کند که از آن به دست می‌آید مشایخ پدر منحصر در همان هفت نفر  
بوده است. اما در کتاب اثرآفرینان، ج ۶، ص ۳۳ سید مهدی بحرالعلوم و  
سید محمد مهدی شهرستانی و شیخ جعفر کاشف‌الغطاء را نیز از مشایخ  
ملا مهدی ذکر شده که اشتباه است. آنان مشایخ ملاحمد بوده‌اند و وی  
در اجازه به برادرش از آن به عنوان مشایخ خود یاد کرده است.

۴- متن این اجازه به خط میرزا محمد جعفر انصاری از روی نسخه  
اصل است که تصویر آن در کتاب زندگانی و شخصیت شیخ انصاری چاپ  
شده است. تاریخ این اجازه به سال ۱۲۰۰ نوشته شده که مسلماً اشتباه  
است؛ زیرا با توجه به این که محل دفن ملامحمد مهدی در آن مشخص  
شده معلوم می‌شود این اجازه پس از سال ۱۲۰۹ ق نوشته شده. همچنین  
از علمای دیگر که پس از ملامحمد مهدی از دنیا رفته‌اند با الفاضلی چون  
«قدس سره» یاد می‌کند که نشان میدهد آنها هم در حیات نبوده‌اند. از این  
گذشته شیخ انصاری در سال ۱۲۱۴ ق تولد یافت.

هـ. زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، مرتضی انصاری، قم، کنگره  
شیخ اعظم انصاری، ۱۳۷۳ ش، ص ۱۵۲ - ۱۵۴.

۶. روضات‌الجنات فی‌الاحوال‌العلماء و السادات، محمدباقر موسوی  
خوانساری، قم، اسماعیلیان، ۱۳۹۲ ق، ج ۷، ص ۲۰۰ - ۲۰۳.

گویا منشأ این که برخی، محل فوت نراقی را نجف نوشته‌اند این  
عبارت ملاحمد در معرفی پدر است: «لنجفی التجاء و مدفناً.» این عبارت

علاوه بر این که در این اجازه آمده در اجازه ملاحمد به برادر و شیخ  
انصاری نیز آمده است. به قرینه تصریح ملاحمد در یادداشت لؤلؤة  
البحرین که پدر در کاشان از دنیا رفته، باید مراد او از «لنجفی التجاء» این  
باشد که وی درگذشته در سفر به نجف به آنجا پناه برده است و یا این که  
با دفن او در نجف، در پناه امیرالمؤمنین(ع) قرار گرفته است.

۷- مقدمه شرح‌الالهیات به اهتمام مهدی محقق، مقدمه از حسن  
نراقی، ص ۲۴ - ۲۷. گذشت که - برخلاف گفته برخی شرح حال‌نگاران  
- نراقی در کاشان وفات یافت نه در نجف. عبارت زنوزی که می‌گوید:  
«نقل آلی المشهد الغروی» نشان می‌دهد که ملامحمد مهدی در نجف از  
دنیا نرفته است.

۸- معمولاً شرح حال‌نگاران تصریح می‌کنند که نراقی به مدت سی  
سال نزد ملا اسماعیل خواجویی (م ۱۱۷۳ ق) در اصفهان شاگردی کرد.  
با توجه به تاریخ تولد نراقی، وی حدوداً ۲۷ ساله بوده که خواجویی از دنیا  
رفته است. معنای سی سال شاگردی وی این است که نراقی سه سال  
پیش از تولد در درس خواجویی حضور می‌یافته است!

ظاهراً منشأ سخن معروف سی سال شاگردی خواجویی این عبارت  
الروضة البهیة است که نویسنده آن در ردیف شاگردان شاگردان نراقی  
است:

قرأ علی العالم‌الکامل علامة زمانه ملا اسماعیل الخاجوئی فی ثلاثین  
سنة علی ماسمعت.

عبارت «علی ماسمعت» تردید نویسنده را می‌رساند و نشان می‌دهد  
که این مطلب اساس قابل اعتمادی ندارد

۹- تاریخ کاشان، عبدالرحیم ضرابی، به کوشش ایرج افشار، تهران،  
امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۵۶ ش، ص ۲۸۰ - ۲۸۲.

الف) به استناد گفته ضرابی نیز حدس مظفر مبنی بر این که نراقی  
در سال ۱۱۲۸ یا پیش از آن تولد یافته درست نیست؛ زیرا ضرابی هم عمر  
او را شصت سال نوشته، اما طبق گفته مظفر، نراقی ۸۱ سال یا بیشتر  
زندگی کرد.

ب) در گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۹۳ تصریح شده که ملامحمد مهدی  
چهار فرزند به این نام‌ها داشته است: ملاحمد، ملاابوالحسن، ملا اباذر و  
ملا مهدی.

می‌بینیم که ضرابی پنج پسر برای ملا محمد مهدی نراقی ذکر  
می‌کند. گلشن ابرار از میرزا ابوالقاسم نام نبرده است؛ در حالی که او مسلماً  
فرزند نراقی و از علمای برجسته کاشان بوده است.